

Elucidation of the Principles of Political Education Based on the Doctrine of *Wilayah* in the Qur'an from the Perspective of the Supreme Leader

Vahid Safaei Qomi

Level 4 student, Qom Seminary, P.hD. Student, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
vahidreza1029@gmail.com

Abstract

Political education, which bears the responsibility of teaching the principles and rules governing political relations and strengthening sensitivity toward the political conditions of society, is regarded as one of the key dimensions in the formation of a unified divine identity. The components of such education must be founded upon divine teachings. Analyzing fundamental Qur'anic concepts and explaining educational components based on these teachings constitute a significant step toward designing the Islamic system of education and theorizing in this field. The Supreme Leader of the Islamic Revolution, through an in-depth exploration of the Qur'anic concept of *Wilayah* and delineation of its political and social dimensions, has clarified the significance of this Qur'anic principle in establishing the Islamic political system. In this study, by employing his interpretation of the Qur'anic concept of *Wilayah*, the principles of political education have been extracted and analyzed. The research method is qualitative and interpretive-analytical, utilizing Qur'anic sources and Ayatollah Khamenei's exegetical viewpoints to formulate the principles of Islamic political education. According to his interpretation, *Wilayah*, as a profound and extensive bond among believers, possesses three main dimensions: the internal (affirmative) dimension, the external (negative) dimension, and the central dimension (the heart of the Islamic system). Based on this concept, the principles of Islamic political education include: loyalty to the divine guardian, rejection of *Wilayah*-based relations with foreigners, acceptance of political responsibility by all members of the *Wilayah*-based community, and the formation of a unified political front. These principles can serve as theoretical foundations for designing and implementing an Islamic system of political education.

Keywords: *Wilayah*, Political Education, Qur'anic Education, Ayatollah Khamenei.

Received: 2023/11/18 ; **Revision:** 2024/01/06 ; **Accepted:** 2024/02/04 ; **Published online:** 2024/04/08

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



تبیین اصول تربیت سیاسی مبتنی بر آموزه «ولایت» در قرآن از منظر مقام معظم رهبری

وحید صفایی قمی

طالعه سطح ۴، حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. vahidreza1029@gmail.com

چکیده

تربیت سیاسی که مسئولیت آموزش اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی و تقویت حساسیت نسبت به شرایط سیاسی جامعه را بر عهده دارد، یکی از ابعاد کلیدی شکل‌گیری هویت یکپارچه الهی محسوب می‌شود. مؤلفه‌های این تربیت باید بر مبنای آموزه‌های الهی استوار باشند. تحلیل مفاهیم بنیادی قرآنی و تبیین مؤلفه‌های تربیتی بر اساس این آموزه‌ها، گامی مهم در جهت طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی و نظریه‌پردازی در این حوزه به‌شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با واکاوی مفهوم «ولایت» در قرآن و ترسیم ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، اهمیت این اصل قرآنی را در استقرار نظام سیاسی اسلام تبیین کرده‌اند. در این پژوهش، با بهره‌گیری از تفسیر ایشان از مفهوم قرآنی ولایت، اصول تربیت سیاسی استخراج و تحلیل شده است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل تفسیری بوده و از منابع قرآنی و دیدگاه‌های تفسیری امام خامنه‌ای برای تدوین اصول تربیت سیاسی اسلامی استفاده شده است. براساس تفسیر ایشان، ولایت به‌عنوان پیوندی عمیق و گسترده میان مؤمنین، سه بعد اصلی دارد: بعد درونی (ایجابی)، بعد بیرونی (سلبی) و بعد مرکزی (قلب نظام اسلامی). با توجه به این مفهوم، اصول تربیت سیاسی اسلامی عبارت است از: وفاداری به ولی الهی، نفی ارتباط ولایی با بیگانگان، پذیرش مسئولیت سیاسی توسط تمامی اعضای جامعه ولایی، شکل‌دهی جبهه واحد سیاسی. این اصول می‌توانند به عنوان مبانی نظری در طراحی و اجرای نظام تربیت سیاسی اسلامی به‌کار گرفته شوند.

کلیدواژه‌ها: ولایت، تربیت سیاسی، تربیت قرآنی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

انسان موجودی هویت‌مند است و از این‌رو، نظام تعلیم و تربیت باید در پی ارائه الگویی قاعده‌مند برای شکل‌گیری صحیح این هویت انسانی باشد. یک نظام جامع تربیت برای رسیدن به غایت خود بایستی برای هریک از ابعاد این هویت یکپارچه، برنامه‌ای مشخص داشته باشد؛ چراکه قلمرو استعداد های انسان بسیار گسترده است و پرداختن به همه آنها در یک زمان و با یک روش ممکن نیست. از این‌رو، در علوم تربیتی، برای پرورش هریک از استعداد ها، بینش ها و مهارت ها، ساحت های مختلفی تعریف شده است که به ابعاد هویت‌ساز انسان مربوط می‌شود. یکی از این ساحت ها، تربیت سیاسی است، که در هر نظام سیاسی ضروری است تا تعلیم و تربیت را با مبانی سیاسی خود همسو کند. مبانی سیاسی، ارتباط تنگاتنگی با ایدئولوژی و بنیان های نظری یک نظام تربیتی دارد. با توجه به ضرورت محوریت قرآن در مبانی علوم انسانی، اندیشمندان علوم تربیتی می‌توانند با تکیه بر آموزه های قرآنی، ایده های کلیدی تربیتی را بازیابی کرده و دانش بومی اسلامی را در این حوزه پدیدار سازند. یکی از آموزه های اساسی قرآن که در پدیده های سیاسی تأثیرگذار است، مفهوم «ولایت» می‌باشد. ولایت به عنوان مبنای حکومت اسلامی و شاخص نظام اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی شناخته می‌شود. شریعت اسلامی، نظم سیاسی خاصی دارد که می‌توان آن را «نظام ولایت» نامید. تمامی فعالیت های سیاسی - از تدبیر امور جامعه گرفته تا روابط دیپلماتیک و فعالیت های حزبی - همگی تحت تأثیر محور ولایت قرار دارند. بنابراین، تحلیل و تبیین آموزه ولایت در تدوین نظام تربیت سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در حوزه معارف اسلامی، کمتر اندیشمندی را می‌توان یافت که به بررسی مفهوم ولایت پرداخته باشد؛ اما برخی از این افراد، از جمله مقام معظم رهبری، به زوایایی از این آموزه پرداخته اند که کمتر مورد توجه دیگران قرار گرفته است. ایشان در فعالیت های قرآنی خویش به بازپژوهی آموزه قرآنی ولایت پرداخته اند و توانسته اند ابعاد اجتماعی و سیاسی آن را به خوبی ترسیم کنند. بنابراین، تحقیق حاضر در پی تبیین اصول تربیت سیاسی مبتنی بر آموزه قرآنی «ولایت» از منظر مقام معظم رهبری است. روش شناسی این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل تفسیری است و با هدف استخراج اصول تربیت سیاسی از آموزه های قرآنی براساس تفسیر مقام معظم رهبری از مفهوم ولایت طراحی شده است. داده ها از طریق مرور متون کتابخانه ای گردآوری شده که شامل تفاسیر معتبر قرآن کریم، آثار مکتوب و سخنرانی های مقام معظم رهبری و کتب و مقالات مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی است. مراحل تحلیل، شامل جمع آوری و سازماندهی منابع، شناسایی مفاهیم کلیدی، تحلیل تفسیری مفاهیم و طراحی چارچوب نظری بوده است. این روش شناسی با تأکید بر تحلیل تفسیری، اصولی برای تربیت سیاسی ارائه می‌دهد که قابل استفاده در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است و

البته امکان تعمیم به سایر زمینه‌های تربیتی را دارد. در خصوص مؤلفه‌های تربیت سیاسی و استخراج عناصر آن از فرهنگ غنی اسلامی، تحقیقات متعددی انجام گرفته است. با این حال، پیشینه پژوهش حاضر در دو دسته اصلی قابل طبقه‌بندی است:

الف) تحقیقات مبتنی بر استخراج مؤلفه‌های تربیت سیاسی از قرآن کریم: این دسته از پژوهش‌ها با تمرکز بر آموزه‌های قرآنی، به دنبال استخراج مؤلفه‌های تربیت سیاسی بوده‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: موسوی الیگودرزی (۱۳۸۷)، هدف تربیت سیاسی را زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادها، مدیریتی و سیاسی، رشد آگاهی، پرورش ارزش‌های دینی و فطری و کسب مهارت‌های لازم برای حضور فعال در عرصه‌های سیاسی می‌داند. میراحمدی (۱۳۸۷)، با بهره‌گیری از روش اجتهادی و بر پایه مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی منابع دینی، اصول حاکم بر تربیت سیاسی را استخراج جهت‌گیری اصلی آن را پیوند دین و سیاست یا معنویت و سیاست معرفی می‌کند. جراحی دربان و همکاران (۱۳۹۳)، تربیت سیاسی را تلاشی در جهت تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه‌شناس و رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های آنان برای حضور فعال و نقادانه در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی ملی و جهانی می‌دانند و به استخراج مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از قرآن پرداخته‌اند. فاضلی دهکردی و داوودی (۱۳۹۴)، هدف غایی تربیت اسلامی را قرب الی الله دانسته و معتقدند تربیت سیاسی زمانی حاصل می‌شود که صفات خداوند در انسان و اعمالش ظاهر گردد. ایشان رویکرد قرآن به سیاست را تربیتی و مبتنی بر تحول درونی انسان می‌دانند. عابدینی و همکاران (۱۳۹۹)، با تحلیل محتوای چند سوره از قرآن، مؤلفه‌های تربیت سیاسی را در قالب مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها ارائه کرده‌اند. هوشمند مطهر (۱۴۰۰)، مسئله اصلی در تربیت سیاسی را پرورش بینش و بصیرت جامعه در بستر عقلانیت دانسته و حق محوری را گفتمان غالب برای تربیت سیاسی صحیح می‌داند. این تحقیقات، اگرچه به استخراج مؤلفه‌های تربیت سیاسی از قرآن پرداخته‌اند و گاهی به آموزه ولایت نیز اشاره کرده‌اند؛ اما از ابعاد سه‌گانه این مفهوم غفلت ورزیده و نظام ولایت را محور تربیت سیاسی قرار نداده‌اند. این امر، تمایز پژوهش حاضر از این دسته را نشان می‌دهد.

ب) تحقیقات مبتنی بر آموزه «ولایت» در تربیت: این دسته از پژوهش‌ها، مؤلفه‌های تربیت را براساس آموزه ولایت تدوین کرده‌اند؛ اما تمرکز آنها بر ساحت تربیت سیاسی نبوده است. برخی از این تحقیقات عبارتند از: میرزاحمدی و رسولی (۱۳۸۹)، با تمرکز بر ولایت ائمه (ع) و با تأثیر از دیدگاه‌های استاد میرباقری، به تبیین تربیت ولایی و شاخصه‌های آن در سه حوزه فردی، اجتماعی و تاریخی پرداخته‌اند. حسینی (۱۳۹۹)، با بررسی تحلیلی معارف عقلی و نقلی، به کشف حقیقت ولایت و جایگاه آن در تربیت

پرداخته و تمسک به اولیای الهی را تنها راه رسیدن به فلاح می‌داند. یوسفی و همکاران (۱۳۹۶)، به اهمیت ولایت‌پذیری و عوامل تربیتی-آموزشی آن در قرآن پرداخته و عوامل را به دو دسته درونی (مانند معرفت، حب و صبر) و بیرونی (مانند عفو الهی، خانواده و حکومت) تقسیم می‌کنند. این تحقیقات، اگرچه مفهوم ولایت را محور تربیت قرار داده‌اند؛ اما بر ساحت تربیت سیاسی متمرکز نبوده‌اند و از ابعاد سه‌گانه مفهوم قرآنی ولایت غفلت کرده‌اند. همچنین، هیچ‌کدام به آثار و اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری در تبیین آموزه ولایت پرداخته‌اند. این موارد، تمایز پژوهش حاضر از این گروه را نیز نشان می‌دهد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. اصل

مفهوم «اصل» در حوزه تربیت، به مثابه بنیان و مبنایی است که جهت‌دهنده و راهنمای عمل مربیان در فرآیند تربیت محسوب می‌شود. این مفهوم، ریشه در معانی لغوی بنیاد، اساس و جوهر دارد (میرزائی، ۱۳۹۴). در اصطلاح علوم تربیتی، «اصل» به مجموعه‌ای از مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی اطلاق می‌شود که در موقعیت‌های گوناگون تربیتی، راهنمای عمل قرار می‌گیرند (شریعتمداری، ۱۴۰۰). این اصول، ریشه در آموزه‌های دینی، یافته‌های پژوهش‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و آرای اندیشمندان و متخصصان تعلیم و تربیت دارند. بر این اساس، اثربخشی فعالیت‌های تربیتی صرفاً به اجرای اقدامات و روش‌های تربیتی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم توجه و پایبندی به این قواعد رفتاری و شرایط مرتبط با آن است. بنابراین، اصول تربیت سیاسی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از خطوط کلی حاکم بر نظام‌مندسازی و عملیاتی‌سازی تربیت سیاسی تعریف کرد که رعایت آنها برای دستیابی به اهداف تربیتی در این حوزه ضروری است.

۲-۲. تربیت

واژه تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «ر ب و» یا «ر ب ب» است. «ربو» به معنای برتری، بلندی، زیادت و نمو و «رَبّ» به معنای مالکیت، تدبیر، تَوَلّی مصالح، اصلاح، سوق دادن به کمال و به عمل آوردن است. تربیت اگر از «ربو» باشد، معنای «تعذیه» دارد و معادل «برتری دادن، بزرگ کردن، زیادت بخشیدن و رشددهی» است و اگر از ماده «رَبّ» باشد، همان معنای ثلاثی مجرد (اصلاح و تدبیر) را می‌رساند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۵۶، ۲۸۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۶؛ مصطفوی تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۸). در فارسی، تربیت را به «پرورش» یا «پروردن» ترجمه کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۵۵۰). مفهوم تربیت در اصطلاح، مستلزم «تغییر و تحول»،

«شکوفایی استعدادهای درونی و فعلیت یافتن قوه‌ها» و «رشد و افزایش ارزش» است؛ یعنی کسی یا چیزی که تربیت می‌شود، نسبت به صورت قبلی خود ارزش بالاتری پیدا می‌کند. وقتی تربیت را برای انسان به کار می‌بریم، به این معنا است که می‌خواهیم تحولی در او پدید آوریم که او را رشد دهد و ارزشمندتر سازد (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶، ص ۳۳). از منظر مقام معظم رهبری تربیت، زندگی بخشی به مرتبّی است. در تربیت، ارزش‌ها مانند بذری که در زمین مستعد کاشته و آبیاری می‌شود، در جان آدمی قوام می‌یابد تا نهال سرسبزی از آن متولد گردد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

۳-۲. سیاست

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن، حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت، مصلحت، دوراندیشی و برنامه‌های یک فرد یا گروه برای نحوه اداره امور آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۷۳۵). در مفهوم اصطلاحی، هر اندیشمندی از زاویه نگرش خویش و از منظر دغدغه‌های حیات سیاسی خود بدان نگریسته است. برخی فیلسوفان از مفهوم سیاست، اصلاح و از بین بردن خلل و فساد را اراده کرده‌اند. در مفهوم عام می‌توان سیاست را اداره امور جامعه و تدبیر زندگی جمعی انسان‌ها دانست (مهاجرنیا، ۱۳۹۳، ص ۵۶). از منظر مقام معظم رهبری، سیاست اسلامی منشأ یافته از معنویت و اخلاق اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰). سیاست، نحوه‌ای از تدبیر جامعه برای دستیابی به آرمان‌های اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۹/۱۶). آرمان‌هایی مانند «گسترش اخلاق و معنویت اسلامی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۱۷)، «تشکیل جامعه عادلانه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱)، «تحقق حیات طیبه اسلامی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵) و «نجات مردم از ذلت وابستگی و عقب ماندگی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

۴-۲. تربیت سیاسی

در اصطلاح تربیت، مفهوم «افزایش ارزش» نهفته است. با توجه به اینکه در نفس انسان، توانایی کسب معرفت نهادینه شده و می‌تواند به وسیله آنها ابعاد وجودی خود را تغییر دهد، تربیت سیاسی فرآیند درونی سازی ارزش‌های یک نظام سیاسی است. به بیان دیگر، تربیت سیاسی الگو و قاعده تحول و قواعد حرکت انسان به سوی شکل‌گیری هویت سیاسی و تحقق عینی آرمان‌های نظام سیاسی را بیان می‌کند. شکل‌گیری هویت سیاسی در مرتبّی نیازمند شناخت موقعیت سیاسی خود و جامعه و تلاش برای تغییر، اصلاح و ارتقای آن است. در نتیجه، الگوی تربیت سیاسی مبتنی بر پرورش افراد در سه حوزه مختلف است. نخست، پرورش بینش و دانش نسبت به نظام سیاسی مطلوب در اسلام و توانایی انتخاب و پذیرش

آگاهانه آن. دوم، پرورش مهارت‌ها و توانایی‌ها برای کسب دانش و بینش دقیق نسبت به موقعیت سیاسی و اجتماعی که در آن قرار دارد، به گونه‌ای که بتواند نقاط قوت و ضعف آن را در مقایسه با موقعیت مطلوب آرمانی معلوم کند. سوم، پرورش مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای کوشش در جهت تغییر، اصلاح و ارتقای موقعیت سیاسی (داوودی و کارآمد، ۱۴۰۰، ص ۱۵۹).

۲-۵. ولایت

واژه ولایت از ماده «ول ی» اشتقاق یافته است. راغب اصفهانی می‌گوید «ولاء» و «توالی» آن است که بین دو چیز، هیچ غیری فاصله نباشد. «الْوَلَاءُ وَ التَّوَالِي: أَنْ يَحْصُلَ شَيْئَانِ فِصَاعِدًا حَصُولًا لَيْسَ بَيْنَهُمَا مَا لَيْسَ مِنْهُمَا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵). فیروزآبادی نیز معنای «ولی» را قرب و نزدیکی می‌داند «الْوَلِيُّ: الْقُرْبُ، وَ الدُّنُو» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۶۴). در ریشه‌یابی معنای اصلی ماده «ول ی» نگارنده به سه بیان دست پیدا کرده است:

الف. قرار گرفتن چیزی در پس چیز دیگر همراه با وجود یک رابطه بین آن دو (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۰۳).

ب. قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر به گونه‌ای که فاصله‌ای میان آنها نباشد و بین آنها رابطه‌ای برقرار باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۳۶).

ج. مطلق پیوند و ارتباط و بستگی (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۶۲؛ ۱۳۹۷، ص ۹۹).

بیان سوم که دیدگاه مقام معظم رهبری است، جامع دو مورد اول است و سه عنصر «کنار هم قرار گرفتن، عدم فاصله و ارتباط» را در خود جای داده است. حال بسته به نوع رابطه‌ای که ایجاد می‌شود و آثاری که می‌تواند از کنار هم قرار گرفتن دو چیز حاصل شود، معانی مختلفی ایجاد خواهد شد. مثلاً وقتی گفته می‌شود ولایت به معنای «تدبیر امور غیر» یا «قَبُولِیت» است؛ به این خاطر است که متولی در کنار متولی علیه قرار می‌گیرد و به تدبیر امور او می‌پردازد. یا مثلاً وقتی گفته می‌شود ولایت به معنای «محبت» است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر امکان‌پذیر نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶). در قرآن کریم ماده «ولی» و مشتقات آن به صورت‌های گوناگون در قالب اسم، فعل و جمع در ۲۳۳ مورد به کار رفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۳۵). در اصطلاح‌شناسی قرآنی ماده «ولی» وجوه معنایی مختلفی را، تحت تأثیر عناصر همنشین در بافت آیات، از این واژه استفاده کرده‌اند. مقام معظم رهبری با توجه به معنای لغوی و استعمالات قرآنی، اصل اولی اصطلاح ولایت در قرآن را «به هم پیوستگی و اتصال شدید» می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۲۲). از این رو، اگر «ولایت» بدون قرینه به کار رود و نتوان آن نوع پیوند و ارتباط را کشف کرد، قاعده

آن است که بر معنای «پیوند و ارتباط» حمل شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۶۲).

۲-۵-۱. آموزه «ولایت» در قرآن از منظر مقام معظم رهبری

از منظر مقام معظم رهبری، ولایت در فرهنگ قرآن، ساختاری است که جامعه اسلامی را منسجم و درهم‌تنیده معرفی می‌کند. این نظام براساس مبانی توحیدی قوام می‌یابد و کفرستیزی و نفی طواغیت از شاخصه‌های اصلی آن است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبی اکرم (ص) و جانشینان او از سوی پروردگار حائز آن بوده‌اند، هم خصوصیتی است برای آحاد جامعه اسلامی که در سایه آن حکومت، زندگی می‌کنند و از پرتو آن بهره می‌گیرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷). از این رو، نظام قرآنی ولایت دارای ابعاد سه‌گانه ذیل است:

الف. بُعد درونی «ولایت»: وجه داخلی و درونی آموزه الهی «ولایت» که جنبه مثبت و ایجابی آن محسوب می‌شود، ارتباط مستحکم و غیرقابل انفکاک مؤمنین درون جامعه اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۸۸). خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت به این پیوند ولائی اشاره می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱). معنای آیه این است که مؤمنان، دارای صف و تشکیلاتی هستند که بینشان اتحاد کامل وجود دارد و مانند یک پیکره و عمارت واحد به هم گره خورده و یکدیگر را نگه داشته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۶۵). این پیوند مؤمنانه در روایات اینگونه تعبیر شده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰)؛ مثلاً مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم چون یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد.

ب. بُعد بیرونی «ولایت»: وجه بیرونی آموزه الهی ولایت، که جنبه منفی و سلبی آن محسوب می‌شود و نزدیک به مفهوم «تبری» است؛ قطع پیوند جوهری و ماهوی با دنیای خارج از اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۲). از منظر قرآن کریم هم جبهگی مسلمان با بیگانه ممنوع است و برقراری ارتباط ولائی با بیگانگان، فرد را در زمره ستمکاران قرار خواهد داد. «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۹). سوره مبارکه «ممتحنه» به تفصیل این بُعد از آموزه ولایت را شرح می‌دهد؛ چندانکه مقام معظم رهبری آن را سوره «ولایت» نامیده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۲۷). خداوند متعال در همان آیه اول، ارتباط ولائی با دشمن را نهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَاتِّعَاءَ مَرْضَاتِي» (ممتحنه، ۱). هرچند شأن نزول این آیه جریان نامه حاطب بن ابی بلتعنه به مشرکین مکه است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۴۶)؛ لکن سیاق آیات و تکرار صریح این نهی در آیات نهم و سیزدهم و

همچنین، معرفی حضرت ابراهیم و یارانش به عنوان الگوی نیکو برای صف‌بندی با بیگانه، نشان می‌دهد که حکم مذکور مخصوص شخص و مورد خاص نیست. بلکه قطع ارتباط ولایتی با بیگانه، نشانه خدامحوری در مناسبات سیاسی و دستوری کلی برای نظام اسلامی است؛ لذا، این سوره خط روشنی را در سیاست خارجی و داخلی نظام اسلامی ترسیم می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۴ - ۵۵).

ج. بُعد سوم «ولایت»، قلب نظام اسلامی: وجه سوم که ضامن بقای ولایت در دو بُعد اول است و به منزله قلب و مرکز اداره نظام اسلامی محسوب می‌شود، حاکمیت ولی الهی است. در حقیقت، مبنای قرآنی ولایت برای همسوس شدن تمام نیروهای داخلی و بسیج شدن آنها علیه قدرت‌های ضداسلامی، یک هسته متمرکز را ایجاب می‌کند. مرکزی که امت اسلامی از او الهام بگیرند و آنها را فرماندهی کند. این بُعد از ولایت، ارتباط مستحکم فکری و عملی هریک از احاد امت اسلام، در همه زمان‌ها، با آن قلب امت یعنی امام جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۵-۵۶۱). سوره مائده به هر سه بُعد آموزه ولایت اشاره می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۷). ابتدا ارتباط ولایتی با یهود و نصاری و هم‌جهگی با آنان را از مصادیق ستمکاری برشمرده (مائده، ۵۱) و بعد، اوصاف اهل ولایت را که جامعه ایده‌آل اسلامی‌اند، بیان می‌دارد (مائده، ۵۴). سپس قلب پیوندهای داخلی نظام ولایتی معرفی می‌شود، یعنی پیشوا و امام جامعه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵). و بالاخره نتیجه اقامه این سه ساحت را غلبه و پیروزی می‌داند. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۶). در اصطلاح و عرف قرآن کریم این ساحت از ولایت، همان پدیده حکومت و نظام سیاسی در اسلام است و شخصی که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان «ولی» معرفی می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶). ولایت حکومتی است که در آن، شخص حاکم با احاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز، عاطفی و عقیدتی است؛ مردم به او متصل و پیوسته‌اند، به او علاقه‌مندند و او منشأ این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶). هر حکومتی که این‌طور نباشد، نظام ولایت - یعنی حاکمیت اسلامی - نیست. در نتیجه اگر در رأس قدرت، کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه محبت و التیام و پیوستگی - ولایت نخواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶). «ولیت» جامعه اسلامی باید از سوی خداوند متعال انتخاب شده باشد، باید عالم، آگاه، مأمون و مصون باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۶۱). این شخص را گاهی خداوند متعال با نام و نشان، معین می‌کند؛ مانند حضرت ابراهیم (ع) که می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴) و گاهی بدون تعیین نام و با اوصاف و نشان معرفی می‌شود، مانند روایت امام حسن عسکری (ع) که می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا

لِنَفْسِهِ، حَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالِفاً لِهَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ» (حرّعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص ۱۳۱). در نتیجه، آن فقیهی که جانشین امام منصوب است، خود امام و پیشوای جامعه ولایی خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۵).

۳. اهداف نظام ولایی

۳-۱. تشکیل نظام ولایی به عنوان دستگاه تعالی انسان‌ها

قرآن کریم در قلمرو حیات فردی و تحول درونی انسان، اهدافی را برای بعثت انبیاء بیان کرده است. در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری، آنچه هدف اصلی و اولی انبیاء در قلمرو فردی محسوب می‌شود، «رساندن انسان به سرمنز تعالی و تکامل مقدّر او» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۷۹). امام خمینی نیز معتقدند تمام زحمت انبیاء و اولیاء الهی، نزول کتب آسمانی و تمام نهضت‌های توحیدی همه برای تعلیم و تربیت الهی انسان و رسیدن او به مقام برتری بین خلائق بوده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۷۲). از این هدف در قرآن به «تزکیه» تعبیر می‌شود (آل عمران، ۶۴) و در لسان امیرالمؤمنین (ع)، به «برشوراندن گنجینه خرد انسان» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۶۰) که هرکدام به ساحتی از همان هدف اصلی یعنی «تعالی و تکامل» اشاره دارد، تعبیر شده است. از منظر مقام معظم رهبری، روش انبیاء الهی برای رشد و تعالی انسان، نه مانند صوفیان است که افراد را از جامعه جدا کنند و نه مانند فلاسفه است که بنشینند و در مدارس خود به تدریس بپردازند؛ بلکه یگانه راه انبیاء برای تربیت، ایجاد نظامی الهی است که به عنوان کارخانه انسان‌سازی، افراد کثیری را در خود پرورش می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۸۷). ایشان در توضیح این دستگاه انسان‌ساز می‌فرمایند: «برکت یک نظام الهی و اسلامی و انسانی و مردمی، در همین است که استعدادها می‌جوشد و شکوفا می‌شود؛ انسان‌ها سرزمین‌های ناشناخته و ناپیموده‌ای از تکامل بشری را طی می‌کنند و جامعه، به تدریج، به سمت کمال پیش می‌رود. همان‌طور که مزارع گیاهی را، سرزمین بااستعداد و باران رحمت حق و تربیت باغبان ماهر، شکوفا می‌کند و رنگین‌کمانی از میوه‌ها و گل‌ها می‌سازد؛ در مزارع انسانی و بشری هم، یک کشور آزاد و مستقل، با تربیت قرآنی و اسلامی و باران رحمت احکام و معارف نورانی اسلام، همین بالندگی و شکوفایی را پیدا می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۸/۰۶).

۳-۲. اقامه توحید

طبق الگوی حاکمیت سیاسی قرآن کریم -یعنی نظام ولایت- آن کسی که در رأس نظام ولایی قرار می‌گیرد و به عنوان «ولّی» اصلی مؤمنین معرفی می‌شود خداوند متعال است. حاکم در جامعه اسلامی جز

خداوند متعال، کس دیگری نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۷۸). حاکمیت الهی همانگونه که در نظام تکوین مُهیمن است، بایستی در نظام تشریع و حکمرانی نیز اینچنین باشد و آنگونه که از قرآن کریم استفاده می‌شود همه انبیاء به دنبال تحقق این امر مبعوث شده‌اند. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). به تعبیر مقام معظم رهبری، توحید، در رأس اهداف انبیاء قرار دارد که البته این توحید صرفاً پذیرش اعتقادی وحدانیت خداوند متعال نیست؛ بلکه توحیدی که انبیاء در پی آن هستند، حاکمیت مطلق الهی در همه عرصه‌های بشری است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

۴. اصول تربیت سیاسی مبتنی بر آموزه «ولایت»

۴-۱. وفاداری به ولی الهی

مهم‌ترین اصل تربیت سیاسی مبتنی بر آموزه الهی ولایت، وفاداری به حاکمیت سیاسی اولیاء الهی است. بر طبق این آموزه، آحاد مؤمنین با ولی جامعه پیوند فکری، قلبی و عملی دارند. پیوندی دو جانبه که هم «ولی»، متحد با مؤمنین و از زمره آنها است و هم مؤمنین وابستگی کامل به «ولی» دارند. نظام تربیت باید افراد را به گونه‌ای رشد دهد که در کنش‌های سیاسی و مدنی خویش جانب ارتباط و بستگی با «ولی» را حفظ کنند. توضیح آنکه، تحقق ولایت در دو بُعد نخست نیازمند حاکمیتی است که نیروها و استعداد های داخلی جامعه را رهبری کند. رهبری که همه جناح‌ها و سلاطین را اداره کند؛ از تعارض‌ها جلوگیری کند و جامعه را به سمت هدف واحد، یک‌دست گرداند. جامعه بدون «ولی» مانند پیکر بی‌جانی است که اعضا و جوارح دارد؛ اما نمی‌تواند کاری را اراده کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۶۱). واضح است که لازمه تبیین برای موفقیت «ولی» در نقش خود، وفاداری آحاد جامعه به او است که اصلی‌ترین عامل تحقق ابعاد ولایت نیز همین وفاداری است. همان‌گونه که در خطبه ارزشمند حضرت فاطمه (س) نیز اشاره گردیده، خداوند متعال اطاعت از ولی را مایه تنظیم قوانین حاکم بر جامعه و پیشوایی اولیاء الهی را عامل ایمنی‌بخش از تفرقه قرار داده است. «[فَجَعَلَ اللَّهُ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ]» (طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۹). پیوند و همراهی با «ولی» دو نقطه مقابل دارد: عقب ماندن و پیش افتادن. در جامعه ولائی، مؤمنین نه از «ولی» پیش می‌افتند و نه از او عقب می‌مانند؛ چراکه لازمه هر عقب ماندن یا پیش افتادنی قطع پیوند ولائی است. این معنا در صلوات شعبانیه چنین یاد می‌شود: «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۶۱). هر جا که امام حرکت

۱. ملة به معنای آیین زندگی، روش، رفتار، آداب و سنت‌های حاکم بر یک جامعه است. ابن منظور می‌گوید: «قال ابواسحاق: الملة فی اللغة سنتهم وطريقهم» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۳۱)

کند و مأمومین همراه نشوند، مصداق عقب افتادن از ولایت است. مانند سستی عده‌ای در جنگ تبوک که خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره مبارکه توبه آنها را توبیخ می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۵۷). پیشی گرفتن از ولایت نیز گاهی در عرصه نظر است، مانند پیش افتادن «غلات» و گاهی در عرصه عمل، مانند «خوارج» که در تاریخ، مصداق مارقین معرفی شده‌اند. نتیجه آنکه، وفاداری و اطاعت از ولی، نشانه ولایت‌مداری یک جامعه و اصل بنیادین در تربیت مبتنی بر آموزه ولایت است. در فرآیند تربیت سیاسی، هم از بُعد نظری و هم از بُعد عملی و رفتاری، می‌توان برای متوجه کردن متربیان و ارتقاء دادن سطح درک و فهم آنان و نهادینه کردن فرهنگ وفاداری به ولی جامعه اسلامی برای فعالیت‌های سیاسی برنامه‌ریزی کرد. می‌توان براساس اندیشه مقام معظم رهبری چنین گفت که متربی وفادار به ولایت، کسی است که ولی را بشناسد، فکر و عمل ولی را بداند و با ولی هم‌فکر و هم‌عمل شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۶۵).

۲-۴. نفی ارتباط ولائی با بیگانه

آنچنان که در تبیین مفهوم ولایت اشاره شد برطبق آیات قرآن کریم برقراری ارتباط ولائی با افراد و حکومت‌های خارج از دایره اسلام ممنوع است. تولی با بیگانه از مصادیق «ظلم» (ممتحنه، ۹)، و پذیرش ولایت او پیروی از «طاغوت» است (بقره، ۲۵۷). مؤمنین در ارتباط خود با بیگانگان در همه ساحت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی باید چنان رفتار کنند که از پیکره آنان محسوب نشوند. لذا، نظام تربیت اسلامی، افراد را به گونه‌ای پرورش می‌دهد که در کنش‌های سیاسی، «عدم ارتباط ولائی با بیگانه» را نصب‌العین خود قرار خواهند داد. متکی بر آموزه الهی ولایت در جامعه رشدیافته اسلامی هرگونه پیمان، پیوند یا اظهار دوستی با بیگانه که موجب شود عالم اسلام از بیرون متأثر شود یا تحت سلطه آنان قرار بگیرد، ممنوع است؛ این اصل در فقه سیاسی اسلامی نیز تبلور یافته که از آن به قاعده نفی سبیل یاد می‌شود. براساس مفاد این قاعده، هر عمل فردی یا جمعی از معاملات گرفته تا سیاست که سبب شود دشمنان دین یا غیرمسلمانان، راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان یا مسلمانان پیدا کنند، حرام است و جواز شرعی ندارد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۹). نمونه‌های فراوانی در تاریخ علمای شیعه ثبت شده که براساس این اصل مهم عمل کرده‌اند؛ مانند تحریم استعمال توتون و تباکو توسط میرزای شیرازی (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۵)، بیانیه علمای اصفهان در زمینه حمایت از تولیدات داخلی (امیری‌فرد و کامران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲)، اعلامیه تاریخی ضد کاپیتولاسیون امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۰۹) و در عصر حاضر نیز مانند نهی مقام معظم رهبری درباره سند ۲۰۳۰ (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷). این اصل موجب استقلال و عزت‌مندی جامعه اسلامی است. انسان‌های دارای خرد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به شرافت و کرامت انسانی و تقرّب الی‌الله تحمل می‌کنند؛ در

مقابل، انسان‌های بی‌خرد در برخورد با مشکلات، ذلت ولایت شیطان را به جان می‌خرند و به آن تمسک می‌جویند تا شاید برای خود عزتی درست کنند. قرآن کریم نتیجه و عاقبت روشن پیوند با بیگانه را اینچنین تذکر می‌دهد: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا، كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مریم، ۸۱-۸۲). البته این نکته را باید متذکر شد که مفهوم بُعد سلبی ولایت، صرفاً اختلاف در عقیده نیست. اینگونه نیست که نظام اسلامی با همه دنیای خارج از خود قهر باشد و در انزوای سیاسی به سر برد. روابط بازرگانی، سیاسی و دیپلماسی با غیرمسلمانانی که علیه نظام اسلامی اقدام نکرده‌اند، وجود دارد؛ لکن این ارتباط، هم‌جهگی و پیوستگی به معنای ارتباط ولائی نیست. همچنان‌که خداوند متعال، احسان کردن و عدالت ورزیدن به غیرمسلمانانی که معاند با نظام اسلامی نیستند را اجازه داده است (ممتحنه، ۸).

۳-۴. مسئولیت سیاسی آحاد جامعه ولائی

با تحلیل مفهوم ولایت در فرهنگ قرآنی مشخص می‌شود که این آموزه الهی، متکی بر حرکت آحاد جامعه و نقش‌سپاری به آنها برای تنظیم روابط مدنی و اجتماعی جامعه اسلامی است. این نقش، یعنی پیوند ولائی بین مؤمنین و برپایی نظام ولایت، وظیفه همگانی تک‌تک افراد جامعه اسلامی است. مقام معظم رهبری در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا» (انفال، ۷۲)، معتقدند هرچند این آیه به زبان اخبار بیان شده، اما داعی آن انشاء تکلیف است و دلالت می‌کند بر اینکه مؤمنین در هرکجای عالم که هستند باید با یکدیگر پیوند ولائی داشته باشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۲/۰۶). این آیه نشان می‌دهد پیوند ولایت، یک حادثه تعیین‌کننده برای زندگی اجتماعی و سیاسی است که صرفاً با وجود ایمان حاصل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند تلاش، هجرت و کار جمعی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷). از این‌رو برای تحقق جامعه ولایت‌مدار، نظام تربیت باید متربیان خود را به‌گونه‌ای پروراند که این مسئولیت را با طیب خاطر پذیرفته و عملی نمایند. خداوند متعال در سوره مبارکه توبه بعد از بیان طبیعت مؤمنانه در جامعه اسلامی که همان رابطه ولائی است، اوصاف چهارگانه‌ای برای جامعه ولائی ذکر می‌کند که به‌وضوح نشان‌دهنده مسئولیت سیاسی و اجتماعی مؤمنین اهل ولایت است. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱). اولین نشانه مؤمنین دارای ولایت، «امر به معروف و نهی از منکر» است. صاحب تفسیر «مجمع البیان» معتقد است آیه، دلالت بر وجوب عینی این تکلیف الهی دارد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۸۸). مقام معظم رهبری نیز

این دیدگاه تفسیری را پذیرفته و معتقدند از آیه فهمیده می‌شود که دو خصلت امر به معروف و نهی از منکر لازمه لاینفک ایمان است و بر همه مؤمنین فرض است که هم عالم به این واجب الهی باشند و هم عامل به آن (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۶۸). در وجوب این فریضه هم فرقی نمی‌کند که مسئله‌ای جزئی باشد یا مسائل کلان سیاسی؛ در جامعه ولائی، مؤمنین بسان یک کاروان هم مقصد هستند که انحراف یک عضو، همه اعضا را دچار دردسر خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۷۲). از این رو، امر به معروف و نهی از منکر، لازمه پیوند ولائی است که ضامن بقا و دوام ولایت خواهد بود. نشانه دوم اهل ولایت، «اقامه نماز» است. در دیدگاه تفسیری مقام معظم رهبری به کاربردن واژه «یقیمون» به جای «یصلّون» اشاره به برپایی نماز در جامعه دارد؛ یعنی مؤمنین نه فقط خود نماز می‌خوانند، بلکه اجتماع را به نماز وامی‌دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۸۷). مقصود از جامعه نمازخوان، جامعه‌ای است که دائماً به یاد خدا و در راه خدا است؛ جامعه‌ای که فقط در مقابل خداوند متعال کرنش دارد و از کسی جز او استعانت نمی‌جوید. تلاش برای نمازخوان کردن جامعه، در حقیقت تلاش برای ریشه‌کن کردن فساد، حاکمیت مطلق الهی و ایجاد وحدت میان آحاد بشریت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۷۶). نشانه سوم، «پرداخت زکات» است. در دیدگاه تفسیری مقام معظم رهبری، زکات در اصطلاح قرآن عبارت است از «مطلق انفاقاتی که یک مسلمان از مال خود دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۸۷). این واجب الهی نیز نشانه مسئولیت آحاد مؤمنین نسبت به تقسیم عادلانه ثروت در جامعه به عنوان پیکره واحد دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۷۱). نشانه چهارم، «اطاعت از خداوند متعال و رسول الله (ص)» است. از نگاه تفسیری مقام معظم رهبری به قرینه سه نشانه قبلی که اطاعت عملی از دستورات الهی بود، مقصود از نشانه چهارم، وجود طوع و روحیه فرمان‌بری در مقابل خداوند متعال و رسول او است. یعنی مؤمنین اهل ولایت، اداره امور زندگی خود را در سایه اطاعت از خدا و رسول او سامان می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۹۲). این نشانه نیز دلالت بر مسئولیت خطیر آحاد مسلمین در تسلیم امر حاکمیت به ولی الهی دارد. هر فرد مؤمنی وظیفه دارد از آن دستگاه سیاسی که اسلام را ترویج و احکام آن را پیاده می‌کند، حمایت کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۹/۱۶). قطعاً نظام تربیت سیاسی با آموزش کامل وظایف و مسئولیت‌های آحاد يك جامعه، می‌تواند نقش کلیدی و مهمی را در ارتقاء ابعاد مختلف ولایت‌مداری يك جامعه ایفا کند و در تحقق آرمان‌های نظام اسلامی موثر واقع شود.

۴-۴. جبهه واحد سیاسی

جامعه اسلامی زمانی دارای ولایت است که کمال همبستگی و اتحاد آحاد و جناح‌های گوناگون را در خود تأمین کند. مقام معظم رهبری تحلیل این آموزه قرآنی را تداعی‌کننده اتحاد در همه شئون سیاسی و

اجتماعی می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷). از این‌رو، در نظام تربیت اسلامی با تبیین کامل از آموزه ولایت و نهادهای سازشی آن در نظر و عمل متربی می‌تواند به جامعه‌ای رشدیافته دست یابد که در حیثیت سیاسی آن، همه با هم، هم‌جبهه‌اند و یک صف واحد را تشکیل می‌دهند. مقام معظم رهبری معتقدند آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) که اشاره به دو بُعد نخست دارد، لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و برخوردار از وحدت جهت، وحدت حرکت و وحدت هدف می‌سازد (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹). این راهبرد، یعنی تک‌جبهه‌سازی سیاسی بر محور ولی الهی را می‌توان از رموز تداوم حیات دین و نظام اسلامی دانست که آیات قرآن بر آن دلالت دارند. از جمله خداوند متعال در سوره انفال می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶). مقام معظم رهبری مبتنی بر این آیه، تفرق سیاسی مسلمین را موجب «از بین رفتن عزت» و «قرار گرفتن در موضع رنج» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲)، «از بین رفتن آبرو و هویت اسلامی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۲/۰۶)، و «درهم‌شکستن شکوه و عظمت ائتلاف ملی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۰۲) می‌دانند. در مقابل، «پرهیز از تفرقه» را یکی از شروط رسیدن به «اعتلای مدنی و علمی»، «عزت» و «قدرت سیاسی» عنوان می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸). نظام تربیت باید در پی آن باشد که متربیان در فعالیت‌های سیاسی، هم خویش را حفظ وحدت و تشکیل صف واحد، حول محور ولی جامعه قرار دهند. البته باید دانست که اختلاف سلیقه و تشکیل گروه‌های سیاسی با روش‌ها و سلايق گوناگون، نامطلوب نیست؛ بلکه موجب پیشرفت یک نظام سیاسی خواهد بود. اصل این است که گروه‌های سیاسی همه در یک جبهه واحد فعالیت کنند و یک هدف اصلی داشته باشند، یعنی اعتلاء نظام ولایت.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با تأکید بر آموزه قرآنی «ولایت» از منظر مقام معظم رهبری، اصولی را برای تربیت سیاسی در نظام اسلامی ارائه داده است. مفهوم ولایت به عنوان پیوند بنیادین میان مؤمنان و مرکزیت سیاسی در جامعه اسلامی، سه بُعد اصلی را شامل می‌شود: بُعد درونی (ایجابی) اشاره به روابط مستحکم بین مؤمنین به عنوان پیکر واحد است که تحت هیچ شرایطی نباید گسسته شود. بُعد بیرونی (سلبی) اشاره به صف‌بندی در مقابل طاغوت و بیگانه است؛ به نحوی که یک مسلمان همواره در مواجهه با غیرمسلمان بداند با اعضای یک پیکر بیگانه مواجه است. بُعد مرکزی (حاکمیت ولی الهی) که قلب نظام اسلامی

محسوب می‌شود، امام و حاکم جامعه اسلامی است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اصول تربیت سیاسی، ازجمله وفاداری به ولی الهی، نفی ارتباط ولایی با بیگانه، پذیرش مسئولیت سیاسی توسط همه اعضای جامعه ولایی، و شکل‌دهی جبهه واحد سیاسی، ابزارهای کلیدی برای استحکام نظام سیاسی اسلام هستند. این اصول نه تنها بر انسجام جامعه اسلامی تأکید دارند، بلکه راهنمایی برای دستیابی به اهداف متعالی مانند اقامه توحید، تشکیل جامعه‌ای انسان‌ساز و متعالی را فراهم می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان گفت که آموزه‌های قرآنی و تفاسیر رهبر معظم انقلاب از آن، چارچوبی عمیق و کاربردی برای تدوین نظام‌های تعلیم و تربیت اسلامی ارائه می‌دهند. این اصول می‌توانند مبنایی برای تربیت نسل‌هایی باشند که درک عمیقی از وظایف سیاسی و اجتماعی خود دارند و به‌طور فعال در مسیر تعالی جامعه ولایی گام برمی‌دارند. توسعه کاربردی این اصول در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و بررسی تجربی اثرگذاری آنها بر رفتار و بینش سیاسی نسل‌های جوان، می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران ایجاد کند.

— منابع —

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، ج ۱۱.
- امیری فرد، زهرا؛ کامران، حسن (۱۳۹۴). *قاعده نفی سبیل و تطبیقات آن*. قمه و اجتهاد، ۲ (۳).
- جراحی دربان، مهدی و همکاران (۱۳۹۳). مبانی، اصول و روش های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن. بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). *شمیم ولایت*. قم: اسراء، چاپ هشتم.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث، ج ۲۷.
- حسینی، سید مهدی (۱۳۹۹). *حقیقت ولایت و جایگاه آن در تربیت انسان*. معرفت، شماره ۲۷۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹). *بیان قرآن: تفسیر سوره ممتحنه*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۱۲/۰۲). *بیانات در دیدار با مردم زاهدان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3166>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۱/۰۶). *بیانات در دیدار با زائران و مجاوران حضرت رضا (ع)*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3001>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۲/۰۶). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2834>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۲/۰۶). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3277>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۲/۰۶). *بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/39457>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵/۰۸/۰۶). *بیانات در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2816>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۲/۱۲). *بیانات در دیدار با معلمان استان فارس*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3428>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). *بیان قرآن: تفسیر سوره براءت*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). *بیان قرآن: تفسیر سوره مجادله*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۰۹/۱۶). *بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2776>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۳/۱۷). *بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/36775>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۰۷/۱۷). *بیانات در دیدار با جمعی از پاسداران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3147>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار با مردم قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/35367>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۶/۲۰). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/8033>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۳/۲۱). *بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/4029>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). *سخنرانی تلویزیونی عید مبعث*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/47510>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱/۰۷/۲۲). *بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/51151>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۶/۲۵). *بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/30791>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۰۱/۲۷). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2882>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۰۹/۲۹). *بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان و طلاب*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2234>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. تهران: مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی (صها).

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳، ۱.

داوودی، محمد؛ کارآمد، حسین (۱۴۰۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۴، ۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. صفوان عدنان الداودی. بیروت: دار الشامیه.

رسولی، رحیمه؛ میرزامحمدی، حسن (۱۳۸۹). *تربیت ولانی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، (۱)۲.

سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵ق). *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیه الأساسیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱.

شریعتمداری، علی (۱۴۰۰). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر، چاپ هفتاد و چهارم.

طبرسی، امین‌الاسلام (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۹، ۵.

طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*. قم: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح‌المتهجد*. علی اصغر مروارید، ابوزر بیدار. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.

عابدینی، روح‌اله و همکاران (۱۳۹۹). *تربیت سیاسی از منظر قرآن با رویکرد تدبیر سوره‌ای*. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۱۴)۸.

عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۶). *راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عقبتی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۶). *فقه‌ای نامدار شیعه*. قم: نوید اسلام، چاپ سوم.

فاضلی دهکردی، مهدی؛ داوودی، محمد (۱۳۹۴). *بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن، با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی*. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، شماره ۲.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: انتشارات هجرت، ج ۸.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۴.

قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۷۰). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۵۸، ۱۱.

مصطفوی تبریزی، حسن (۱۳۷۴). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴، ۱۳.

موسوی الیگودرزی، مهدی (۱۳۸۷). *درآمدی بر تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم*. راه تربیت، شماره ۵.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۳). *فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۷). *اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی*. راه تربیت، شماره ۵.

میرزایی، نجفعلی (۱۳۹۴). *فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر، چاپ چهارم.

هوشمند مطهر، پارسا (۱۴۰۰). تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر اصل حق محوری. *تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث*، ۱(۱).

یوسفی، علی و همکاران (۱۳۹۶). عوامل تربیتی-آموزشی ولایت از منظر قرآن کریم. *توسعه آموزش جنبدی شاپور*، دوره ۸.